



درخشش مستند رادیویی «شکیلا» در هشتمین جشنواره رادیویی اتحاد

سیدقاسم موحد:

مستند شکیلا،

بازگو کننده درد ورنج زن و دختر افغان است



"رادیو دری"، همچون شبکه‌های دیگر رادیویی در ایران، به طور متوالی و به شکل هدفمند، برای مردم، فعالیت می‌کند.

مخاطبان بسیاری در افغانستان، ایران و دیگر کشورهای جهان هر روز منتظر شنیدن برنامه‌های دلخواهشان در شبکه رادیو دری هستند و با اشتیاق و علاقه برنامه‌ها را دنبال می‌کنند.

فارسی زبانان افغانستانی و ایرانی با استعداد، خلاق و تحصیلکرده در کنار هم با عشق و صداقت همکاری می‌کنند.

یکی از این افراد خلاق و اندیشمند "سیدقاسم موحد" است. او به تازگی توانست با مستند رادیویی "شکیلا" در هشتمین جشنواره رادیویی اتحاد عنوان برتر این جشنواره را از آن خود کند. به همین مناسبت گفتگوی کوتاهی با وی داشته‌ایم که از نظراتان می‌گذرد.

*قدری از خودتان و فعالیتتان بگویید.

- تشکر از مدیران محترم صدا و سیما از معاونت محترم برون مرزی گرفته تا شبه قاره و رادیو دری. اینجانب سید قاسم موحد، تبعه افغانستان و فارغ التحصیل مقطع فوق لیسانس روزنامه نگاری هستم.

توفیق دارم که از سال ۱۳۷۱ در خدمت واحد رادیو دری صدای جمهوری اسلامی ایران مستقر در مشهد مقدس مرکز خراسان رضوی باشم. بنده طی این سنوات با عنوان شغلی گوینده و مترجم در خدمت رادیو هستم و به عنوان تهیه کننده، نویسنده، گوینده و بازیگر نقشهای نمایشی توفیق خدمت و کسب تجربه داشته و دارم.

* طی فعالیتی که در رادیو داشتید، توانستید در جشنواره‌های رادیویی به موفقیت‌هایی برسید؟

- طی این سالها فراز و فرودهای زیادی داشتیم. برخی از آنها در موقعیتهای مختلف مورد قضاوت قرار گرفته و رتبه و ارزش یابیهایی را در پی داشته که از آن جمله می‌توان به سال ۱۳۷۳ و کسب عنوان گوینده برتر در جشنواره صداوسیما اشاره کرد که جشنواره این سال در زیباکنار برگزار شد و بنده مفتخر به دریافت لوح تقدیر شدم.

متعاقب آن و در سال ۱۳۷۶ و در هشتمین جشنواره تولیدات رادیو و تلویزیونهای مراکز استانها در شیراز، لوح تقدیر در بخش تهیه کنندگی به اینجانب تعلق گرفت. در همین راستا و در نهمین جشنواره تولیدات رادیویی و تلویزیونی مراکز استانها در ارومیه (برنامه ساز و آواز افغان زمین) بنده مقام اول و لوح تقدیر را از آن خود کردم.

در همین جشنواره لوح افتخار در بخش آهنگ برتر اراهم گرفتم. در سال ۱۳۸۴ در جشنواره تولیدات رادیویی در تهران مفتخر به دریافت لوح تقدیر شدم (برنامه ترکیبی) در سال ۱۳۸۴ در جشنواره سراسری برون مرزی برنامه ترکیبی "جاده جوانی" به تهیه کنندگی اینجانب، انتخاب شد و لوح افتخار سهم من شد.

در دومین جشنواره رادیو و تلویزیونهای کشورهای اسلامی در تهران، برنامه صدای خاموش، تندیس ویژه و لوح تقدیر این جشنواره را به دست آورد.

* از حضورتان در هفتمین جشنواره تولیدات رادیو و تلویزیونی اتحاد بگویید.

- در نهمین جشنواره رادیو و تلویزیونهای کشورهای اسلامی در تیرماه ۹۶ در مشهد مقدس، موفق به دریافت تندیس و لوح افتخار در بخش بهترین مستند رادیویی شدم. اینها گوشه ای از ارزشیابی‌هایی بوده که پیرامون فعالیتها و تجربیات کاری من در حوزه‌های مختلف گویندگی، موسیقی و تهیه کنندگی به برکت کار در بستر مساعد و مناسب رادیو دری اتفاق افتاده است.

از این بابت می‌توان گفت که در رادیو دری همکاران موفق بسیاری وجود دارند که هر یک به نوبه خود توانسته‌اند سهم بسزایی در توفیقات رادیو داشته باشند. رادیو دری با چهار دهه فعالیت اکنون به گنجینه ای از تجربه و جریان قابل قبولی تبدیل شده است و همکاران موفق زیادی را به جامعه رسانه معرفی کرده است.

امسال برگزاری نهمین اجلاس مجمع عمومی رادیو و تلویزیونهای اسلامی در مشهد و متعاقب آن هفتمین جشنواره ی تولیدات رادیو و تلویزیونی اتحاد که پذیرای بالغ بر ۵۰۰ اثر از بیش از ۲۰۰ مؤسسه و رسانه سطح دنیای اسلام بود، فرصتی را فراهم کرد که رادیو دری هم اثری از اینجانب به نام شکیلا را به این جشنواره ارسال کند.

مستند رادیویی شکیلا توانست نظر داوران هشتمین جشنواره اتحاد را جلب کند و به عنوان مستند برتر رادیویی انتخاب شود.

* ممکن است قدری از فضای مستند شکیلا بگویید؟

- در این باره باید بگویم مستند (شکیلا) برگرفته از نام دختری است به همین نام که متأثر از فضای برخی رسم و رسومات جامعه و نگاههای سنتی است که به زنان تعمیم داده می‌شود و شخصیت اصلی مستند در مسیر زندگی و زیر فشار مشکلات به خودسوزی روی می‌آورد.

در این مستند فیچر ضمن گفتگو با قربانی در بیمارستانی درهرات گوشه‌ای از درد و رنج زنان و دختران افغان به تصویر کشیده شده است. مستند شکیلا بازگو کننده درد و رنج زن و دختر افغان است.

عدالت و لطف خدا

زنی به حضور حضرت داوود (ع) آمد و گفت: ای پیامبر خدا پروردگار تو ظالم است یا عادل؟

داوود (ع) فرمود: فراوند عادل است که هرگز ظلم نمی‌کند.

سپس فرمود: مگر چه حادثه ای برای تو رخ داده است که این سؤال را می‌کنی؟

زن گفت: من بیوه زن هستم و سه دفتر دارم، با دستم ریسندگی می‌کنم، دیروز شال بافته خود را در میان پارچه ای گذاشته بودم و به طرف بازار می‌بردم تا بفروشم و با پول آن غذای کودکانم را تهیه سازم، ناگهان پرنده ای آمد و آن پارچه را از دستم ربود و برد و تهدیرست و مزنون ماندم و چیزی ندارم که معاش کودکانم را تأمین نمایم.

هنوز سفن زن تمام نشده بود که ...

در خانه داوود (ع) را زدن، حضرت اجازه وارد شدن به خانه را داد، ناگهان

ده نفر تاجر به حضور داوود (ع) آمدند و هر کدام صد دینار (همعاً هزار دینار) نزد آن حضرت گذاردند و عرض کردند:

این پولها را به مستفکش برهید. حضرت داوود (ع) از آنها پرسید: علت این

که شما دسته جمعی این مبلغ را به اینجا آورده اید چیست؟ عرض کردند: ما

سوار کشتی بودیم، طوفانی برفاست، کشتی آسیب دید و نزدیک بود غرق

گردد و همه ما به هلاکت برسیم، ناگهان

پرنده ای دیدیم، پارچه سرخ بسته ای به سوی ما انداخت، آن را کشیدیم،

در آن شال بافته دیدیم، به وسیله آن مورد آسیب دیده کشتی را مکمل بستیم

و کشتی بی خطر گردید و سپس طوفان آرام شد و به ساحل رسیدیم و ما هنگام

خطر نذر کردیم که اگر نجات یابیم هر کدام صد دینار، پیردازیم و اکنون این

مبلغ را که هزار دینار از ده نفر ماست به حضورت آورده ایم تا هر که را بفواهی

، به او صدقه برهی.

حضرت داوود (ع) به زن متوجه شد و به او فرمود: پروردگار تو در دریا برای تو هدیه می‌فرستد، ولی تو او را ظالم

می‌فوانی؟ سپس هزار دینار را به آن زن داد و فرمود: این پول را در

تأمین معاش کودکانت مصرف کن، فراوند به حال و روزگار تو، آگاهتر از دیگران است.